

ادراک جامعه‌شناسی هنر در جامعه

جامعه‌شناسی هنر

گردآورنده: سیروس یگانه

ناشر: فرهنگستان هنر

چاپ اول: ۱۳۸۶، ۲۲۰۰ نسخه، ۲۳۲ صفحه، ۳۳۰۰ تومان

اشاره

هنر، مانند سایر پدیده‌های اجتماعی همچون خانواده، دین، اقتصاد، آموزش، حکومت، ارتباطات، قشربندی اجتماعی و دیگر نابرابری‌های اجتماعی، گروه‌ها و سازمان‌ها، تعامل اجتماعی و نقش‌های اجتماعی و ... توجه جامعه‌شناسان را از آغاز علم جامعه‌شناسی به خود جلب کرده است. در چند دهه اخیر هنر و مسائل مربوط به آن بیشتر از گذشته مورد بررسی، و به‌خصوص پژوهش‌های میدانی توسط جامعه‌شناسان قرار گرفته است. آنچه در مقالات این دفتر گرد آمده، بیانگر کوشش اولین هم‌اندیشی درباره جامعه‌شناسی هنر بوده است. در مجموعه حاضر کوشش شده است تا با ارائه تحلیل جامعه‌شناختی از موضوعات و مباحث رایج هنری، ابعاد اجتماعی پدیده هنر روشن شود. این مجموعه، مطابق با مباحث رایج در جامعه‌شناسی هنر در سطح جهانی و از میان محورهای مطرح شده در آخرین اجلاس‌های انجمن جهانی جامعه‌شناسی و بر حسب نیازهای جامعه‌شناسی هنر در ایران، در دو بخش مبانی جامعه‌شناسی هنر و روندهای معاصر در جامعه‌شناسی هنر تنظیم شده است.

جامعه‌شناسی هنر چیست؟

مباحث جامعه‌مدن، مدرنیته، مدرنیسم و پست مدرنیسم، بخش مهمی از موضوعات و مسائل مورد بررسی جامعه‌شناسی هنر را تشکیل می‌دهد. موضوعاتی مانند جهانی سازی و سیاست گذاری فرهنگی؛ هویت فرهنگی؛ کارکردهای اجتماعی گوناگون هنر، مانند کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روان‌شناختی و ... اجتماعی شدن هنرمندان؛ مخاطبان هنرمندان و ارتباط بین مخاطبان و هنرمندان و هنرهای گوناگون؛ فرآیند خلق و پذیرش و دریافت آثار هنری که شامل مباحث آوانگارد، نمایشگاه‌ها و موزه‌ها و گرایش‌های اقشار و طبقات اجتماعی به هنرهای گوناگون می‌شود، در جامعه‌شناسی هنر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسی خودزاییده جامعه‌مدن و پیدایش و شکل‌گیری نهایی ارزش‌های مدرنیته در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی و علت وجودی آن، به دست آوردن شناخت از جامعه‌مدن و یافتن راه حل برای مسائل و آسیب‌های آن بوده است. «جامعه‌مدن» و «مدرنیته»، اساساً مباحث جامعه‌شناختی هستند و شناسایی و تحلیل اجزای این دو، موضوعات اصلی رشته جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهد. دو موضوع اصلی دیگر در اثر حاضر، تحلیل جامعه‌شناسی از دو پدیده مدرنیسم و پست مدرنیسم به عنوان دو رویداد مهم است که در دوران کنونی هنرهای گوناگون را، هم در جوامع مدرن و هم در جوامع در حال گذار به مدرنیته تحت شرایط جهانی شدن، در بر می‌گیرند.

آغاز علم جامعه‌شناسی طی فرآیند گذار از «جامعه سنتی» پیشا مدرن به جامعه مدرن در غرب، و عمدتاً توسط آگوست کنت در فرانسه، با انتشار اثر وی درباره فلسفه پوزیتیویسم، یعنی کمتر از دوپست سال پیش پایه گذاری شده است. همراه با تحولات اجتماعی گسترده و ژرفی که طی دوپست سال گذشته به وقوع پیوسته است، دیدگاه‌های ناظر بر علم نیز به گونه‌ای همسان در علوم طبیعی و در علوم اجتماعی، دچار تحولاتی عمیق و قابل توجه شده است. از این رو، جامعه‌شناسی و زیر مجموعه‌های تخصصی آن مانند جامعه‌شناسی علم، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی هنر نیز از این تحولات بی‌بهره نمانده است.

ساختار کتاب

کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است. هدف از بخش نخست بازنگری و به روز ساختن مفاهیم و تعاریف واقعیت در جامعه‌شناسی است، آن گونه که جامعه‌شناسی هنر امروز به آن می‌نگرد؛ و در دو فصل ارائه شده است: هنر و جامعه: مفاهیم قدیم و جدید، بحث درباره نظریه‌های جامعه‌شناسی هنر در دهه‌های گذشته و در زمان حال را شامل می‌شود و تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم آوانگارد، مسئله نقش آوانگارد و مشخصات آن را به بحث می‌گذارد.

بخش دوم مشتمل بر چهار فصل از موضوعات مورد مطالعه در جامعه‌شناسی هنر معاصر است. هنر و فرهنگ و جهانی شدن پدیده مهم و فراگیر جهانی سازی و نقش هنر و فرهنگ را در آن میان به بحث می‌گذارد. هنرمندان: شغل، هویت و بازار به تجزیه و تحلیل موقعیت هنرمند در جامعه و خلق و عرضه آثار هنری اختصاص دارد. کارکرد اجتماعی موزه‌ها و گالری‌ها نقش این مؤسسات را در ترویج و عرضه آثار هنری در جامعه به بحث می‌گذارد و دینامیسم اجتماعی دریافت هنر به تحلیل مخاطبان هنر در خرده فرهنگ‌های قومیتی و اقشار و طبقات اجتماعی می‌پردازد.

محتوای کتاب

بخش اول

بخش نخست کتاب که به مبانی جامعه‌شناسی هنر می‌پردازد، شامل دو فصل است: «هنر و جامعه: مفاهیم قدیم و جدید» و «تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم آوانگارد».

در فصل اول مقاله «تعریف هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی» نوشته اعظم راوودراد و در فصل دوم، «معرفت هنری، تأویل ساحت زیباشناختی و اجتماعی هنر و هنرمند» نوشته مصطفی مختاباد و «مدرنیسم و پست مدرنیسم» نوشته سیروس یگانه آمده است.

در «تعریف هنر از دیدگاه جامعه‌شناسی» نویسنده کوشیده به یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات در حوزه جامعه‌شناسی هنر، یعنی تعریف جامعه‌شناسانه هنر بپردازد. در مقاله حاضر، پس از شرح کوتاهی از مهم‌ترین نظریات فلسفی هنر، آرای جامعه‌شناسانی که در حوزه تعریف جامعه‌شناسانه هنر وارد شده‌اند، ارائه شده و در نهایت، تعریف پیشنهادی



میان جهانی شدن و پست مدرنیسم، یا به عبارت دقیق‌تر پلورالیسم را در حیطه هنر معاصر مورد بازبینی قرار دهد.

در بخش «هنرمندان: شغل، هویت و بازار»، سه مقاله گنجانده شده است: هنر و کیفیت زندگی کاری در جوامع صنعتی؛ سنخ‌شناسی و بررسی توانمندی زنان فعال در عرصه موسیقی؛ حوزه سیاسی و بازار هنرهای قومی - ملی.

در «هنر و کیفیت زندگی کاری در جوامع صنعتی»، نوشته مهرداد نورابخش، سخن در این باب است که «کیفیت زندگی کاری» فرآیندی است که به وسیله آن همه اعضای سازمان از راه مجاری باز و متناسب که برای این مقصود ایجاد شده است، در تصمیم‌هایی که بر شغلشان، به خصوص، و بر محیط کارشان، به طور کلی، اثر می‌گذارد، به نوعی دخالت می‌یابند. در نتیجه مشارکت و رضایت شغلی آنها از کار بیشتر می‌شود و فشار عصبی ناشی از کار برایشان کاهش می‌یابد.

مقاله دوم این بخش یعنی «سنخ‌شناسی و بررسی توانمندی زنان فعال در عرصه موسیقی»، که عبدالعلی لهسایی زاده و نازفر فرقانی نوشته‌اند، در این باب بحث می‌کند که بررسی اولیه فعالیت زنان در عرصه موسیقی نشان می‌دهد که اگر سطح فعالیت زنان در این حیطه از مردان پیشرفته‌تر نباشد، کمتر هم نیست، چرا که تعداد بانوان هنرجو در بخش یادگیری موسیقی رو به افزایش است. این تحقیق در پی طبقه‌بندی خصوصیات و نگرش‌های هنرمندان زن فعال در عرصه موسیقی است.

مقاله آخر این بخش، «حوزه سیاسی و بازار هنرهای قومی - ملی» است که آن را ناصر فکوهی نوشته. روی سخن او در این مقاله با ایرانیانی است که در یکصد سال اخیر که از عمر تشکیل دولت ملی می‌گذرد، هویت ملی را کمتر به مثابه هویتی در برابر هویت‌های قومی و محلی یا در مخالفت با آنها تعریف کرده‌اند و حتی، برعکس، بسیاری از روشنفکران و نخبگان فکری جامعه ما این هویت را عمدتاً به مثابه ترکیبی از هویت‌های محلی و قومی مختلف دانسته و درک کرده‌اند.

در بخش «کارکردهای اجتماعی موزه‌ها و گالری‌ها»، مقاله «موزه، ابژه و فرهنگ» آمده است. مه‌ری بهار در این مقاله بر این باور است که ابژه‌ها از فرهنگ دینی و هویتی هر جامعه‌اند که با قرار گرفتن در موزه‌ها و گذر زمان، کارکردهای فرهنگی و مذهبی خود را حفظ می‌کنند. سؤال اصلی این مقاله این است که «آیا موزه‌ها، علاوه بر مناسب و مطلوب بودن از نظر زمانی، مکانی و فضایی برای نگهداری ابژه‌ها، محلی برای حفظ فرهنگ ارزش‌های معطوف به آنها نیز هستند؟»

در واپسین بخش این کتاب، «دینامیسم اجتماعی دریافت هنر»، مقاله «درک آثار هنری در جامعه» آمده که نوشته مسعود کوثری است. کوثری در این مقاله می‌کوشد به این بپردازد که جامعه‌شناسی هنر بیش از هر چیز به متن مشغول بوده و کمتر از هر چیز دیگر به ادراک اثر هنری توسط مخاطبان آن توجه کرده است.

نویسنده به صورت مشروح آمده است.

همان‌طور که اشاره شد در فصل دوم از بخش نخست، دو مقاله آمده است. در «معرفت هنری، تأویل ساحت زیباشناختی و اجتماعی هنر و هنرمند» نویسنده به این امر می‌پردازد که یکی از عمده‌ترین تفاسیر و مطالعات جامعه‌شناسی هنر درباره رسالت و نقش هنر و هنرمند است. در این رویکرد، نسبت تعامل هنر و هنرمند چونان قلب و مغز می‌نماید که سخت به همدیگر وابسته‌اند و اثر گذار که ضعف هر یک دیگری را رنجور می‌کند. به زبانی دقیق‌تر، اگر رسالت از هر دو سو (سعی هنر و هنرمند) برنیاید، بی‌گمان راهی جز تباهی هنر و هنرمند باقی نمی‌ماند. بنابراین، این همپوشی و همگنی است که در چشمه سار خیال هنری جاری و ساری می‌گردد و معرفت هنری به عنوان مابازای معنوی جوانه می‌زند که در آن صورت، حضور مطالعات جامعه‌شناسی از نوع هنر برجسته می‌گردد که هدف اساسی آن جستاری به سوی معرفت هنری و لزوم درونی سازی این پدیده در دل جامعه است.

در مقاله دوم این بخش، «مدرنیزاسیون و پست مدرنیزاسیون»، نویسنده معتقد است با مشاهده سه نمایشگاه هنر مفهومی در سال‌های اخیر و سایر نمایشگاه‌های هنری و با مصاحبه با هنرمندان، علل تأخیر در رسیدن موج پست مدرنیسم به ساحل هنری ایران را می‌بایست هم در حوزه هنر و هم در بیرون از آن جست و جو کرد. در این مقاله نویسنده می‌کوشد به جایگاه هنر ایران در فرآیند پست مدرنیسم بپردازد.

بخش دوم

بخش دوم کتاب، روندهای معاصر در جامعه‌شناسی هنر، شامل چهار فصل است: هنر، فرهنگ و جهانی شدن؛ هنرمندان: شغل، هویت و بازار؛ کارکرد اجتماعی موزه‌ها و گالری‌ها و دینامیسم اجتماعی دریافت هنر.

در مقاله نخست این بخش، «هنر، فرهنگ و جهانی شدن»، نوشته محمد کارکنان نصرآبادی، سخن از این است که بحث هنر، فرهنگ و جهانی شدن امروزه در محافل علمی مطرح است و از یک سو، فرهنگ با قدمت بسیار زیاد و تنوع پذیری آن و از طرف دیگر، ماهیت متغیر هنر و ذهن خلاق انسان و در نهایت، جهانی شدن و بحث‌های مربوط به آن، ضرورت توجه به هنر را افزایش داده است. در این مقاله سعی شده ضمن بیان مفهوم هنر، فرهنگ و جهانی شدن، به نحوه شکل‌گیری هنر جهانی و تأثیرپذیری هنر از جهانی شدن و ارتباط آنها نیز پرداخته شود.

مقاله دوم این بخش «پلورالیسم در برابر جهانی شدن؟» است که علیرضا صحاف زاده در آن می‌کوشد توضیح دهد که بیش از دو قرن پس از آغاز تمدن مدرن در آستانه افقی تازه قرار گرفته ایم که جهانی شدن مهم‌ترین شاخص آن تلقی می‌شود. با این حال، این دوران در گفتار هنرهای تجسمی با نام دیگری تحت عنوان پست مدرنیسم نیز شناخته می‌شود. بروز نسبتاً هم‌زمان این دو مفهوم در هنر معاصر این پرسش را پیش می‌کشد که سلسله ارزش‌های مطرح شده در هر یک از این دو چه رابطه‌ای با یکدیگر می‌توانند داشته باشند. این مقاله می‌کوشد تا رابطه